من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود...

شماره پرسش: ۴۱۹۸۰

تاریخ ارسال پرسش: ۱۴۰۵/۴/۱۴ ۱۸:۵۴:۱۹

متن پرسش

از این خجالت شرمنده ماندیم / تو رفتی اما ما زنده ماندیم. تو می‌روی دامن کشان جان از جهانم می‌رود / من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود. پشت سرِ تشییع تو، روح و روانم می‌رود / من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود.

گفتم که از غم تو بمیرم توان نبود / ما را به سخت جانی خود این گمان نبود آه ... بی تو چگونه سامان بگیرم / روز وداعت باید بمیرم آتش بگیرم. نام تو تا بر زبانم می‌رود / ای ساربان آهسته ران آرام جانم می‌رود. افتان و خیزان آمدم سرو روانم می‌رود / ای ساربان آهسته ران آرام جانم می رود. مشتاق را ز دامن وصلت جدا مکن / ما را به کربلای فراق ات رها مکن.

گفتم که از غم تو بمیرم توان نبود / ما را به سخت جانی خود این گمان نبود آه ...

https://kashoob.com/audio/E۰VWV/%D۹%۸۶%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۹%۸۶%DA%AF-%D۸%AF%DB%۸C%D۸%AF%D۹%۸۵-%DA%A۹%D۹%۸۷-%D۸%AC%D۸%A۷%D۹%۸۶%D۹%۸۵-%D۹%۸۵%DB%۸C%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%AF

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! نمی‌دانم «او» رفت و «ما» را با خود برد و «ما» رفتیم و «او» ماند، و حال ماییم که پشت سر خود را می‌نگریم که نکند آری! که مبادا روزمرّگی‌ها، ما را ببرد و معلوم است که در آن صورت، «او» در کنار ما نخواهد بود. حکایت، حکایتِ حاضرشدن در وسعتی است که همهٔ تشییع‌کنندگانِ عزیزالقدر، «یک» نفر شده‌اند تا در این یکی‌شدن، «او» را که در یگانی‌اش همهٔ ما خواهد بود؛ پیش آید. آیا پس از این تشییع و پس از این حضور می‌توانیم نسبت به همدیگر دوگانه باشیم؟ و به جای آن‌که برادرانه حرکات و سکنات همدیگر را حمل بر صحت کنیم، از «اَلمؤمِنُ مِرآتُ الْمُؤمِنْ» غفلت شود؟ موفق باشید. https://eitaa.com/rahe_khamenei/۵۱۶۵۳